

یادداشت

درخت کهنسال رامهرمز؛ نمادی از هویت فرهنگی و سرمایه زیست‌محیطی

مرضیه‌لرکی

در روزهای اخیر، ماجرای یک درخت کهنسال در شهرستان رامهرمز، واکنش‌های زیادی را برانگیخته است. این درخت کنار که قدمتی چندصدا ساله دارد، با تاجی گسترده به ابعاد ۱۹ متر در ۱۴ متر، یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی و فرهنگی این منطقه محسوب می‌شود. این درخت علاوه بر ارزش اکولوژیکی، دارای جایگاه ویژه‌ای در باورهای مردم محلی است و میوه و برگ آن در طب سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، فردی که ادعای مالکیت زمین را دارد، بدون توجه به این ارزش‌ها، اقدام به قطع شاخه‌های درخت کرده و قصد دارد آن را به‌طور کامل از بین ببرد. این در حالی است که درخت مذکور پیش‌تر تحت ثبت و پلاک‌گذاری شهرداری رامهرمز بوده، اما به دلایلی نامعلوم، پلاک آن حذف شده و مجوز قطع آن صادر شده است. درختان کهنسال بخشی از تاریخ، هویت و حافظه جمعی یک جامعه محسوب می‌شوند و صرفاً عناصر زیستی نیستند. درخت‌کنار رامهرمز، علاوه بر ارزش اکولوژیکی، در فرهنگ مردم منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد. بسیاری از درختان کهنسال در ایران، علاوه بر نقش زیست‌محیطی، با باورهای بومی و محلی پیوند خورده‌اند و حذف آنها به معنای قطع بخشی از ارتباط فرهنگی و تاریخی یک جامعه است. حق برخورداری از محیط زیست سالم، یک حق بنیادین شهروندی است. اعتراض مردم رامهرمز علیه قطع این درخت نشان‌دهنده افزایش آگاهی جمعی نسبت به حقوق زیست‌محیطی است. در دنیای امروز، جامعه مدنی به‌عنوان یک نیروی مؤثر در برابر تخریب طبیعت عمل می‌کند و نمونه‌های جهانی این پدیده نشان می‌دهد که جنبش‌های مردمی قادرند از تصمیمات نادست مدیریتی جلوگیری کنند. یکی از چالش‌های اساسی در کشورهای در حال توسعه، تضاد میان رشد اقتصادی و حفظ محیط زیست است. توسعه پایدار ایجاب می‌کند که نهادهای مرتبط مانند سازمان محیط زیست، شهرداری و منابع طبیعی، درخت کهنسال رامهرمز قربانی نگاه سودمحور به زمین و منابع طبیعی نباشد. این نگاه، آینده‌ا ناپایدار را برای نسل‌های بعد رقم خواهد زد. یکی از پرسش‌های اساسی این است که چگونه مجوز قطع درختی که پیش‌تر ثبت شده بود، صادر شده است؟ ضعف در سیاست‌گذاری‌های حفاظتی، عدم نظارت کافی و نفوذ منافع فردی در تصمیمات، همگی نشانه‌هایی از شکاف در حکمرانی زیست‌محیطی هستند. ضروری است که نهادهای مرتبط مانند سازمان محیط زیست، شهرداری و منابع طبیعی، مسئولیت خود را در قبال حفظ میراث طبیعی به‌درستی ایفا کنند. مقاومت مردم رامهرمز در برابر قطع این درخت، هشدار جدی است که نشان می‌دهد جامعه دیگر نمی‌تواند تخریب محیط زیست را تحمل کند. زمان آن فرا رسیده که نگاه مدیران از توسعه مبتنی بر بهره‌برداری بی‌رویه، به توسعه‌ای متوازن و پایدار تغییر کند؛ توسعه‌ای که در آن، طبیعت قربانی نباشد بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از آینده باشد. درخت کنار رامهرمز، نمادی از تراوم حیات، پیوندهای فرهنگی و مسئولیت مشترک ما در قبال محیط زیست است. حفاظت از این درخت، آزمونی برای ارزیابی تعهد ما به توسعه پایدار و حقوق محیط‌زیستی نسل‌های آینده است. نهادهای مسئول باید با قاطعیت از این میراث طبیعی دفاع کنند و جامعه مدنی نیز باید آگاهانه‌تر از همیشه، در برابر چنین تهدیدهایی بایستد.

خبر

تالاب انزلی در آستانه مرگ

محمد صادقی، نماینده استان کیلان در شورای عالی استان‌ها، با اشاره به شرایط بحرانی تالاب انزلی گفت: متأسفانه با وجود تلاش‌های مختلف برای احیای تالاب انزلی، این تالاب روزبه‌روز به مرگ نزدیک‌تر می‌شود. ناهماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و نبود مدیریت صحیح منابع آبی و زیست‌محیطی در این منطقه، یکی از مهم‌ترین دلایل وضعیت بحرانی تالاب انزلی است. احیای تالاب انزلی نیازمند همکاری گسترده میان مسئولان، کارشناسان و فعالان محیط زیست است تا بتوان از نابودی کامل این زیستگاه منحصربه‌فرد جلوگیری کرد. او ادامه داد: تالاب انزلی یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین زیستگاه‌های طبیعی ایران، به‌عنوان یکی از منابع آبی و زمستی ارزشمند کشور شناخته می‌شود. رسوبات ۵۰ساله فاضلاب شهری، کشاورزی و صنعتی نفس تالاب انزلی را به شماره انداخته و عمق این تالاب از ۱۰ متر در سال‌های گذشته به کمتر از ۵ سانتی‌متر رسیده و در برخی نقاط عمق تالاب از بین رفته است. عضو شورای عالی استان‌ها گفت: به‌جز این، شیرابه فاضلاب، دورودخانه مهم منطقه یعنی گوهررود و زروجراب در آستانه مرگ کامل قرار داده است و کیلانی‌ها با هر اندک نسیم، موجهی از انواع ویروس و باکتریه‌های خطرناک حاصل از فاضلاب و به‌سبب‌های انسانی، صنعتی و کشاورزی را تنفس می‌کنند. افزایش رسوبات و کم‌عمق‌شدن تالاب نیز از دیگر عواملی است که روند خشک‌شدن تالاب را تسریع کرده است. این کاهش عمق تالاب به دلیل ورود مسالانه حدود ۲۵۰ هزار مترمکعب رسوبات طبیعی و صنعتی از ۱۰ رودخانه مختلف به این زیستگاه آبی است.

قربانیان تصادف، معادل سقوط چند هواپیما در سال

جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران، با اشاره به پویشی «نه به تصادف، گفت: اواخر اسفندماه سال گذشته گرگرنای جدی در جامعه نجفکان و در بین مقامات و مسئولان کشور مطرح شد تا به پدیده خاتمان‌سوز تصادف که خانواده‌های ایرانی حداقل یک مورد آن را تجربه کرده‌اند، رسیدگی کنند و براساس این پویش و گزارش‌های حداقل یک عنوان «نه به تصادف» در کشور ایجاد شد. او ادامه داد: سالانه ۲۰ هزار نفر در تصادفات کشته و ۴۰۰ هزار نفر نیز مصدوم می‌شوند. اینها تنها آثار نیستند، بلکه احساسات، عواطف و تجربه تلخ خانواده‌هایی هستند که آنها را تجربه کرده‌اند؛ کسانی که باید یک عمر روی ویلچرها بنشینند و تجربه یک لحظه بی‌توجهی و غفلت را با خود همراه داشته باشند. تشکری‌هاشمی با بیان اینکه فقط در تعطیلات مسال بیش از ۸۰۰ نفر فوتی و ۲۰ هزار نفر مصدوم وجود داشت، اظهار کرد: متأسفانه طبق آمار پزشکی ایستادن ممکن است این آمار تا دو برابر نیز افزایش پیدا کند. اما چرا باید این موضوع ادامه پیدا کند؟ آیا باید دست روی دست بگذاریم و این حوادث را تجربه کنیم؟ اگر سالانه چند دستگاه هواپیما نیز سقوط کنند، این حجم متوفی نخواهد داشت. چرا باید این حادثه هرساله در کشور رخ دهد؟

تهران دیگر شهر خاکستری نیست

محمدامین توکلی‌زاده، معاون فرهنگی و اجتماعی شوروی شهر تهران، به برخی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی سال‌های اخیر اشاره کرد و گفت: در سه سال گذشته، رویدادهایی مانند عید غدیر، مراسم امام‌رضایی‌ها، بدرقه زائران اربعین «قهرمان شهر» و منسارتک دیگر کلان‌مشهرها طراحی و در سطح ملی اجرا شد. اینها نشان می‌دهد که تهران، فراتر از مرزهای خود، الگو و الهام‌بخش است. معاون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر با بیان اینکه «تهران دیگر یک شهر خاکستری نیست»، ادامه داد: در نوروز امسال شاهد حضور پرشور اقشار مختلف مردم در جشن‌های شهری بودیم. ما در برگزاری این مراسم‌ها هیچ محدودیتی از نظر تیپ، سلیقه یا منطقه قائل نشدیم و همه مردم در کنار هم، طعم شادی و همدلی را چشیدند. توکلی‌زاده با اشاره به کمپین «شهر دوست‌داشتنی» که از سوی سازمان زیماسازی شهرداری طراحی شد، گفت: در این کمپین که به صورت رسانه‌ای و در قالب برنامه ۶۰ درجه اجرا شد، شادی به‌عنوان یک مطالبه اجتماعی مهم مطرح شد و ما نیز تلاش کردیم به این مطالبه پاسخ دهیم. تهران در این سهه سال میزان بزرگ‌ترین جشن‌های ملی و منطقه‌ای بود که با مشارکت مردم و نهادهای مختلف برگزار شدند.

شرق: خانه‌های تاریخی نه‌تنها از منظر معماری و تاریخ‌نگاری، بلکه به‌عنوان گنجینه‌هایی فرهنگی، شاهد بخشی از تحولات اجتماعی و سیاسی یک ملت هستند. در ایران، برخی از این خانه‌ها به‌عنوان نقاط عطف تاریخ معاصر شناخته می‌شوند و شخصیت‌های برجسته‌ای در این خانه‌ها زندگی کرده و تأثیرات بزرگی گذاشته‌اند. خانه‌هایی مانند خانه طالقانی، یکی از چهره‌های انقلاب که سال‌ها در معرض تخریب و بی‌توجهی قرار داشت، حالا پس از ثبت ملی قرار است به خانه‌موزه‌ای تبدیل شود. این خانه که روزگاری محل اقامت و فعالیت‌های مبارزاتی آیت‌الله طالقانی بود، از سال‌ها قبل با مشکلات زیادی روبه‌رو شد؛ مشکلاتی که باعث شد نگرنانی‌ها برای حفظ و نگهداری آن افزایش یابد. خانه آیت‌الله طالقانی در تهران، واقع در بیح شمیران، یکی از مهم‌ترین خانه‌های تاریخی ایران است که در طول سال‌ها به دلایل مختلف دچار فرسودگی شد و مورد بی‌توجهی قرار گرفت. این خانه به‌عنوان محل سکونت و فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی آیت‌الله طالقانی، یکی از شخصیت‌های محوری در مبارزات انقلاب، همواره در معرض تهدیدات مختلفی از جمله تخریب، سرقت و نبود منابع مالی برای مرمت بود. در آبان ۱۴۰۳، پس از سال‌ها تلاش و پیگیری، خانه طالقانی به ثبت ملی رسید. این رویداد می‌تواند نقطه عطفی در مسیر حفظ و بازسازی این خانه تاریخی باشد. با این حال، علی‌رغم این موفقیت، وضعیت خانه همچنان نگرنانی‌هایی را به همراه دارد. به گفته برخی مسئولان، مرمت و بازسازی این خانه با مشکلات زیادی روبه‌رو است. مجتمع فرهنگی طالقانی در این وجود، امیدها برای حفظ این خانه همچنان زنده است. پس از ثبت ملی خانه طالقانی، نمایشگاهی از عکس‌های کمتر دیده‌شده آیت‌الله طالقانی در موزه ملی ایران برگزار شد تا اهمیت تاریخی و فرهنگی این خانه بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در همین زمان، تلاش‌هایی برای مرمت و بازسازی این خانه آغاز شد. البته هنوز مشکلاتی در پیشبرد این پروژه وجود دارد که نیاز به اقدامات بیشتر و هماهنگی میان نهادهای مختلف دارد. سخنگوی شورای شهر تهران، علیرضا نادعلی، در توضیح وضعیت فعلی خانه طالقانی گفته است: «خانه طالقانی به خاطر نیازهای ترمیم و بحث‌های عمرانی تکمیلی به شرکت توسعه فضاهای فرهنگی واگذار شده است».

تبدیل شده است. خانه فروغ فرخزاد که پیش‌تر به ثبت ملی رسیده بود، اکنون به دلیل بی‌توجهی و کمبود منابع مالی برای مرمت، دچار تخریب‌های عمده‌ای شده است. در تعطیلات نوروز اخیر، تصاویری از وضعیت بحرانی این خانه منتشر شد که نشان می‌داد این خانه که زمانی مهد شعر و اندیشه بود، حالا به مکانی برای فروش مواد مخدر تبدیل شده است. یکی از همسایگان این خانه گفته است: «در همین خانه مخروبه مواد می‌فروختند؛ تریاک و شیسه. مردی که در خانه زندگی می‌کرد، در را باز نمی‌کرد و از طریق درز دیوار مواد را به مشتریان تحویل می‌داد. این ماجرا باعث اعتراض همسایگان شد که در نهایت بساط فرد فروشنده جمع شد». این وضعیت موجب واکنش‌های گسترده‌ای شد و بسیاری از دوستداران شعر فروغ فرخزاد و فعالان فرهنگی به وضعیت فعلی خانه اعتراض کردند. نسرین طه‌پیری، خبرنگار حوزه اجتماعی و میراث فرهنگی، در صفحه اینستاگرام خود به وضعیت این خانه اشاره کرده و از وضعیت آن ابراز نگرانی کرده است. او نوشته است که پس از ثبت ملی خانه فروغ فرخزاد در سال ۹۷، به دلیل کمبود بودجه و ناتمام‌ماندن پروژه‌های بازسازی، این خانه به وضعیت بحرانی رسید.

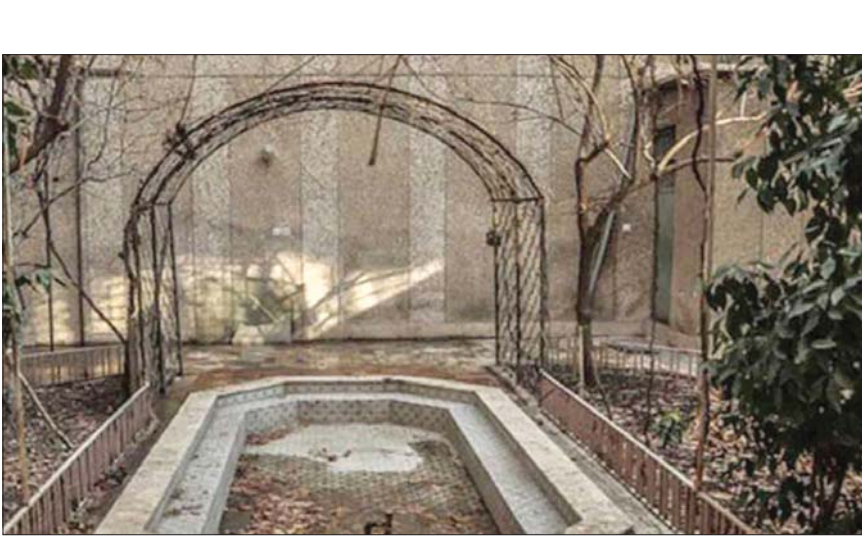
علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر تهران، درباره سرنوشته این دو خانه می‌گوید: «سازمان فرهنگی خانه شهرداری خانه مرحوم آیت‌الله طالقانی را به خاطر نیازهای ترمیم و بحث‌های عمرانی تکمیلی به شرکت توسعه فضاهای فرهنگی واگذار کرده است. تخصص این شرکت در این زمینه است. اما متأسفانه در این موضوع و در موضوعات مشابه با مشکلاتی مواجهیم. مشکل اصلی

خانه فروغ؛ از سرنوشته مشابه تا مشکلات جدید

در کنار خانه طالقانی، خانه فروغ فرخزاد نیز وضعیت مشابهی را تجربه می‌کند. این خانه که در گذشته محل زندگی و خلق آثار جاودانه یکی از بزرگ‌ترین شاعران معاصر ایران بود، حالا به مکانی آشفتنه و در معرض خطر

خانه‌های تاریخی در معرض خطر؛ از خانه طالقانی تا خانه فروغ فرخزاد

قصه ناتمام خانه‌های تاریخی تهران



تبدیل شده است. خانه فروغ فرخزاد که پیش‌تر به ثبت ملی رسیده بود، اکنون به دلیل بی‌توجهی و کمبود منابع مالی برای مرمت، دچار تخریب‌های عمده‌ای شده است. در تعطیلات نوروز اخیر، تصاویری از وضعیت بحرانی این خانه منتشر شد که نشان می‌داد این خانه که زمانی

مهد شعر و اندیشه بود، حالا به مکانی برای فروش مواد مخدر تبدیل شده است. یکی از همسایگان این خانه گفته است: «در همین خانه مخروبه مواد می‌فروختند؛ تریاک و شیسه. مردی که در خانه زندگی می‌کرد، در را باز نمی‌کرد و از طریق درز دیوار مواد را به مشتریان تحویل می‌داد. این ماجرا باعث اعتراض همسایگان شد که در نهایت بساط فرد فروشنده جمع شد». این وضعیت موجب واکنش‌های گسترده‌ای شد و بسیاری از دوستداران شعر فروغ فرخزاد و فعالان فرهنگی به وضعیت فعلی خانه اعتراض کردند. نسرین طه‌پیری، خبرنگار حوزه اجتماعی و میراث فرهنگی، در صفحه اینستاگرام خود به وضعیت این خانه اشاره کرده و از وضعیت آن ابراز نگرانی کرده است. او نوشته است که پس از ثبت ملی خانه فروغ فرخزاد در سال ۹۷، به دلیل کمبود بودجه و ناتمام‌ماندن پروژه‌های بازسازی، این خانه به وضعیت بحرانی رسید.

علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر تهران، درباره سرنوشته این دو خانه می‌گوید: «سازمان فرهنگی خانه شهرداری خانه مرحوم آیت‌الله طالقانی را به خاطر نیازهای ترمیم و بحث‌های عمرانی تکمیلی به شرکت توسعه فضاهای فرهنگی واگذار کرده است. تخصص این شرکت در این زمینه است. اما متأسفانه در این موضوع و در موضوعات مشابه با مشکلاتی مواجهیم. مشکل اصلی

معاون وزیر راه و شهرسازی از تفاوت مطالبه‌گری در برنامه‌ریزی شهری گفت

تربیت شهرنشین یا شهروند؟

مساحت پارک‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر می‌تواند به ما در بررسی این عدالت کمک کند. کاظمیان تأکید کرد که برنامه‌ریزی شهری باید به سمت عدالت اجتماعی، توزیع منصفانه امکانات و توجه به حقوق شهروندان حرکت کند. در تهران مثلا پارک بعثت یک فضای سبز است که تعداد زیادی از افراد در اطراف آن زندگی می‌کنند، اما دسترسی به آن برای ساکنان شمال شرق تهران دشوار است. از سوی دیگر، فضاهای سبزی در این مناطق فراهم کرده‌ایم، نقشه اکولوژیک دارند ولی به‌طور کامل به نیازهای شهری پاسخ نمی‌دهند. کاظمیان در ادامه با اشاره به برنامه‌های توسعه شهری در ایران گفت: در حال حاضر، طرح‌های جامع و تفصیلی به‌عنوان اصلی‌ترین طرح‌های توسعه شهری شناخته می‌شوند. سایر طرح‌ها مانند طرح‌های بهسازی یاغی‌های تاریخی و طرح‌های بازآفرینی نیز زیرمجموعه این طرح‌های تفصیلی قرار دارند. اما یکی از اشکالات جدی این طرح‌ها این است که اغلب به مسائل واقعی شهروندان نمی‌پردازند و در نتیجه، ارتباط کمی با نیازهای واقعی مردم دارند. وی افزود: در بسیاری از طرح‌های رایج، هیچ‌گونه اشاره‌ای به لزوم مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی شهری نشده است. این در حالی است که ذی‌نفعان واقعی توسعه شهری، یعنی خود شهروندان، باید در این فرایند نقش داشته باشند و به بیان مشکلات و مطالبات خود بپردازند.

وی در ادامه به مستندسازی مشارکت در طرح‌های توسعه شهری اشاره کرد و گفت: در مجموعه برنامه‌ریزی شهری، مستندسازی مشارکت از اهمیت بالایی برخوردار است. برای مثال، در یک شهر کوچک با ۱۰ هزار نفر جمعیت، روش‌ها و تکنیک‌های مشارکت با یک شهر دو میلیونن مثل اصفهان یا شهری با جمعیت ۹ میلیون مانند تهران متفاوت خواهد بود. وظیفه تهیه‌کننده طرح است که این فرایند را به‌طور دقیق مستند کند؛ از شناسایی ذی‌نفعان و تحلیل مسائل گرفته تا ارزیابی پتانسیل‌ها و نیازها.

کاظمیان گفت در این فرایند، شهروندان باید در تمامی مراحل از جمله شناسایی مسائل، تحلیل و ارزیابی پتانسیل‌ها، مشارکت داشته باشند تا طرح‌های توسعه شهری به خواسته‌های واقعی مردم پاسخ دهند.

کاظمیان با انتقاد از پیچیده‌شدن بیش از حد طرح‌های شهری گفت: هرچقدر این روش‌ها تخصصی‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند، به همان میزان از زبان مشترک میان برنامه‌ریزان مردم فاصله می‌گیرند. در چنین شرایطی، طرح‌ها به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که فقط متخصصان آن را درک می‌کنند و تصویب آنها نیز به راحتی انجام می‌شود؛ چراکه مخالفت یا نقدی شکل نمی‌گیرد. اما این روند باعث می‌شود مردم و ذی‌نفعان واقعی شهر از فرایند تصمیم‌گیری کنار گذاشته شوند.

کاظمیان در ادامه سخنان خود به تشریح مسئله طرح‌های جامعه شهری پرداخت و گفت: اگر بخواهیم بگوییم که مسئله اصلی طرح‌های جامعه شهری ما چیست و خود این طرح‌ها با چه چالش‌هایی مواجه هستند، باید اشاره کنیم که بسیاری از این طرح‌ها به صورت تیپ و قالبی تهیه می‌شوند. در بخش محتوایی، کمتر به مسائل خاص هر شهر، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ویژه آن پرداخته می‌شود و به همین ترتیب، در حوزه ارتباط شهر با پیرامونش نیز توجه کافی صورت نمی‌گیرد. نتیجه این غفلت، آن است که موضوعاتی نظیر کیفیت زندگی، فقر شهری و اسکان‌های غیررسمی، چندان در چارچوب‌های رسمی طرح‌ها موضوعیت ندارند. در حالی که همین‌ها دقیقاً مسائل اصلی بسیاری از شهرهای ما هستند.

ابرای توضیح بیشتر به یک نمونه پژوهشی اشاره کرد و افزود: برای مثال، در یکی از پایان‌نامه‌ها مشخص شد که این وسایل ورزشی زرد و قرمز که در پارک‌ها نصب می‌شوند، در برخی مناطق شهری به‌شدت رضایت شهروندی را افزایش می‌دهند، اما در برخی

شوق

این است که خانه‌ها بسیار قدیمی نیستند تا به‌طور کامل در رده آثار تاریخی قرار گیرند. در واقع بیشتر از منظر فرهنگی مورد توجه قرار دارند. اما وقتی این بناها ثبت می‌شوند، قواعد سخت‌گیرانه‌ای مشابه با بناهای تاریخی برای آنها اعمال می‌شود. این شرایط باعث شده تا پروژه‌ها به نوعی فریز شوند». او ادامه می‌دهد: «در مورد خانه مرحوم آیت‌الله طالقانی، شرکت توسعه مسئولیت آن را بر عهده گرفته و اولین مرحله از پروژه، ایمن‌سازی بناست. پس از آن باید اصلاحات و اقدامات دیگر انجام شود. البته در این رفت‌وآمدها، تعاملات بین شرکت توسعه و وزارت میراث فرهنگی ادامه دارد و کار کند پیش می‌رود. مسئول جدیدی که در این پروژه فعالیت می‌کند، طبق گفته دوستان، تعامل خوبی برقرار کرده است. اما همچنان این فرایند به تسریع نیاز دارد». نادعلی با اشاره به اینکه موضوع خانه فروغ متفاوت است، می‌گوید: «این خانه از ابتدا در اختیار بوده و خانه جنوبی آن که ورودی آن کاملا مشخص است، هیچ‌گونه دسترسی بدون نظارت ندارد. ادعای اینکه افراد معتاد در این مکان حضور داشتند، کاملا اشتباه است. با این حال، مشکل اصلی همان «فریزشدگی» پروژه‌هاست؛ چراکه هنوز همکاری لازم با میراث فرهنگی برای تسریع اقدامات صورت نگرفته است.

نادعلی یادآوری می‌کند: «قصد داریم در جلسه بعدی تذکری به مسئولان بدهم و در صورت لزوم، از کمک‌های آقای علوی در کمیته گردشگری و میراث فرهنگی استفاده خواهیم کرد. اگر پروژه‌ها این‌طور ادامه پیدا کند، چرا باید این پروژه مدت‌زمان زیادی طول بکشد و کاری که از ابتدای دوره شروع کرده‌ایم، هنوز به نتیجه نرسد این هم برای خانه فروغ، به‌خصوص که بنای تاریخی خاصی نیست و آن وجهه فرهنگی آن مورد توجه و تأکید است، نباید این‌طور در انتظار بماند. البته درخصوص خانه آیت‌الله طالقانی، طبق گفته مدیرعامل شرکت توسعه، تمام اقدامات تحت نظر کارشناسان میراث فرهنگی در حال انجام است. خوشبختانه شرکت توسعه آمادگی کامل برای انجام کارها دارد و هماهنگی‌های لازم با میراث در حال انجام است، ولی نیاز داریم تا مجوزها سریع‌تر صادر شده و روند کار روان‌تر شود». وضعیت خانه‌های تاریخی نظیر خانه آیت‌الله طالقانی و خانه فروغ فرخزاد، نشان‌دهنده مشکلات جدی در حوزه حفظ و نگهداری آثار فرهنگی و تاریخی ایران است. این خانه‌ها که نمادهایی از هویت فرهنگی و اجتماعی کشور هستند، نیازمند توجه ویژه و همکاری همه‌جانبه از سوی نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی هستند؛ در غیر این صورت ممکن است این آثار ارزشمند برای همیشه از بین بروند و نسل‌های آینده از میراث گرانبه‌ای خود بی‌بهره بمانند.